

روزه اولی ها، نخستین ارتباط رسمی با خدا



زمانی که کوچک هستیم، می خواهیم هر چه زودتر بزرگ شویم وقتی بزرگتر شدیم پشیمان هستیم ازچنین آرزویی که داشتیم و حسرت آن دوران را داریم، شاید این پشیمانی ازمشکلات و سختی های زندگی باشد، شاید هم از بار مسوولیت ها و شاید هم از ...

زمانی که کوچک هستیم، می خواهیم هر چه زودتر بزرگ شویم وقتی بزرگتر شدیم پشیمان هستیم ازچنین آرزویی که داشتیم و حسرت آن دوران را داریم، شاید این پشیمانی ازمشکلات و سختی های زندگی باشد، شاید هم از بار مسوولیت ها و شاید هم از ...

یکی از این سر شوق آمدن ها و احساس نشاط و بزرگی کردن ها رسیدن به سن تکلیف است که اگر انسان بتواند ارتباط خود را با خدا اصولی حفظ کند نه فقط از بزرگ شدن پشیمان نخواهد بود، بلکه از آن برای رسیدن به قرب الهی مدد خواهد گرفت.

بیشتر بزرگترها نخستین ماه رمضان زندگی شان را به یاد می آورند و خاطرات شیرین آن شب ها که با چه ذوق و شوقی حتی زودتر از بزرگترها برای سحری از خواب بیدار می شدند را فراموش نمی کنند.

- مامان، بلند شو دیر شده اذان میشه.

- مامان جون نگران نباش هنوز وقت داریم، سفره را پهن کن غذاها رو بچینم تو سفره.

- به داداشت بگو باباتو هم بیدار کنه تا وقت کم نیاره برای سحری خوردن.

- چراغ همسایه رو ببین روشن باشه یه وقت خواب نموندن، سپردن حواسمون بهشون باشه.

- خانم، چایی تازه دمه، با خرما می خوام بخورم، یه قطره آبلیمو هم تو استکان چای بریز تا برای فردا تشنگی نداشته باشیم.

- پسرم تلویزیون رو روشن کن ببینیم چند دقیقه مونده تا اذان.

-مامان سحری رو تا پایان اذان هم میشه خورد؟

- نه دخترم، الله اکبر که گفته شد دیگه تا اذان مغرب و عشا نباید چیزی بخوریم یا بیاشامیم.

و صدای اذان از مناره مسجد محل ...

یکی دوسال قبل از به سن تکلیف رسیدن روزه گله گنجشکی تمرین خوبی برای روزه داری است که خاطرات مشترک و شیرینی را در این ارتباط برای همه تداعی می کند.

روزی که روزه کله گنجشکی می گرفتیم یادمان می رفت روزه ایم و بعد از اینکه یک دل سیر ناهار می خوردیم، تازه یادمان می افتاد، که دیگر کار از کار گذشته بود، آب خوردن را هم دیگر نگویید، راه به راه فراموش می کردیم و آب می خوردیم!

200 نفر از روزه اولی های دختر و پسر در باغ رضوان تبریز افطار کردند که برای شنیدن احساس، دعا و آرزوهایشان با آنها هم کلام شدیم...

در مراسم افطاری روزه اولی ها در تبریز علی ناصری قاری قرآن و موزن، می گوید: با رسیدن به سن تکلیف احساس می کنم ارتباطم با خدا افزایش پیدا کرده و رسمی شده است و این برقراری ارتباط جدید دقتمان را افزایش داده تا روزه را فراموش نکنیم و ناخواسته چیزی نخوریم یا آب ننوشیم.

وی اظهار کرد: وقتی صحبت از روزه گله گنجشکی می شد، دیگر احساس خوبی نداشتم اما حالا روزه کامل به عنوان یک فرد بالغ و مکلف وظیفه شرعی ام است.

وی افزود: شفای مریضان و آزادی زندانیان بی گناه آرزوی من است که در دعا‌های افطار و سحر از خداوند می‌خواهم.

خدا بندگان‌ش را محتاج در خود کند آرزوی علی دلال دیگر روزه اولی است که با صداقت و بی‌ریا از درگاه الهی مسئلت می‌کند.

وی رسیدن به سن تکلیف را دلیلی برای توانایی داشتن برای انجام کارهای بزرگ می‌داند و می‌گوید: در جامعه بیشتر مرا پذیرش خواهند کرد و پله به پله ارتباط خود را با خدا تقویت خواهم کرد.

فاطمه فرهادی نیز در خصوص احساس خود نسبت به روزه اولی بودن می‌گوید: احساس می‌کنم توجه خدا به من بیشتر شده همانطور که توجه من به خدا بیشتر شده است و باید در انجام اعمالم بیشتر دقت کنم.

طول عمر و سلامتی پدر و مادر، ظهور امام زمان (عج)، قبولی حاجت حاجتمندان و سربلندی ایران دیگر دعا و آرزوهایی بودند که روزه اولی‌ها بیان داشتند که هر روز در افطار مخلصانه از خدایشان می‌خواهند.

ناهید منیری دیگر روزه اولی اظهار می‌دارد: روزه داری این حس را ایجاد کرده که بزرگ شده‌ام و در برابر خداوند و جامعه مسوولیت دارم.

وی اضافه می‌کند: سن تکلیف آغاز مسوولیت‌پذیری و نخستین گام در نزدیکی به معبود است و در همین گام اول باید تلاش کنم تا ادامه گام‌ها را راسخ‌تر در راه خدا بردارم.